

اتحاد با مسیح

درس ۱۱، تاک و شاخه‌ها

سینکلر فرگوسن

خب، حالا به پایان مجموعه‌ی درس‌هامون درباره‌ی «اتحاد با مسیح» نزدیک می‌شیم؛ و فکر کردم خیلی مهمه که چند دقیقه پولس رسول رو کنار بگذاریم تا نشان بدیم اتحاد با مسیح، ایده‌ی اصلی پولس نبود. اتحاد با مسیح، در ابتدا، ایده‌ی خدا بود؛ و در واقع، در یک بخش خیلی معروف می‌بینیم که این تعلیم خداوندان عیسی بود.

پس در این جلسه می‌خوایم به تعلیم عیسی در یوحنا باب ۱۵، مخصوصاً یازده آیه‌ی اول بپردازیم؛ چون اونجا، در حالی که عیسی با شاگردانش؛ یادتونه در بالاخونه بود و عصرِ روزِ مصلوب شدنِ او بود؛ و طوری اینو توضیح داد که قبلاً این طوری توضیح نداده بود؛ اینکه موضوع اصلی زندگی مسیحی‌شون در آینده، اینه که اون‌ها با او متحد شدند.

البته از یک تصویر استفاده می‌کنه تا اینو بهشون نشون بده؛ تصویرِ تاک و شاخه‌ها. او تاکه و اون‌ها شاخه‌ها. بنابراین او باید همه‌ی منابع مورد نیاز برای زندگی و ثمردهی رو به اون‌ها بده؛ و اون‌ها در عوض، همون طور که یادتونه، می‌گه، شاخه‌ها باید این منابع رو از تاک بگیرند. شاخه‌ها باید در تاک بموندن تا بتوندن ثمرِ واقعی بیارن.

خیلی جالبه که در واقع، در زمانِ عیسی، ظاهراً در معبد، خوشه‌های انگور، به‌نوعی، داستان عهد عتیق رو نشون می‌دادند و نمادی از قوم خدا به‌عنوان تاکستان خدا و تاک خدا بودند که خدا ازشون مراقبت می‌کرد. بعضی از این خوشه‌ها، ظاهراً اندازه‌ی انسان بودند؛ و وقتی شاگردان در هفته‌ی مصائب، در معبد رفت‌وآمد می‌کردند، شاید این تصاویر شگفت‌انگیز از قوم خدا، عمل خدا به‌عنوان باغبانِ تاکستانِ قومش و تصاویر بزرگ میوه‌ی شگفت‌انگیزِ خدا برای قومش، در ذهن‌شون بود؛ و عیسی به‌نوعی، اون‌ها رو از تفکر درباره‌ی معماری و هنر، به درکِ این موضوع سوق می‌ده که این به‌طرز فوق‌العاده‌ای، نشون‌دهنده‌ی عملکردِ رابطه‌شون با خداوند عیساست.

می‌خوام سعی کنم چهار اصلی رو که عیسی اینجا اعلام می‌کنه، در نظر بگیریم. پیشینه‌ی همه‌ی این تعالیم اینه که او به شاگردانش گفته که قراره ترک‌شون کنه؛ و البته این موضوع، اون‌ها رو هوشیار کرده. اون‌ها احساس می‌کنند اگه عیسی از ما دور بشه، اگه عیسی از بین ما بره، ما باید کجا بریم؟

او بهشون یاد داده بود که در واقع، وقتی از بینشون بره، روح نزد اون‌ها می‌آد؛ روحی که در طی این سی و سه سال، در زندگی و خدمت عیسی بود؛ روحی که همراه او بود؛ روحی که عیسی با قدرتِ او کارهای عظیم انجام داده بود و با او زندگی کرده بود؛ روحی که عیسی در او، خودش رو به پدر تقدیم می‌کنه؛ روحی که انرژی‌بخشِ قدرت‌بخشِ رستائیش؛ همون روحی که در روز پنتیکاست می‌فرسته؛ او عیسی رو به ما نزدیک می‌کنه؛ در واقع، به‌نوعی، حتی نزدیک‌تر می‌شه؛ چون وقتی روح در بین اون‌ها

ساکن بشه، عیسی می‌گه، «او می‌آد تا طوری در شما ساکن بشه که انگار من در شما ساکنم. من شما رو ترک می‌کنم تا به شما نزدیک‌تر بشم. از بین شما به جلجتا می‌رم و بعد به آسمان می‌رم تا شما با پیوند محکم اتحاد، با من متحد بشید؛ اتحادی که من و شما رو با یک روح القدس به هم وصل می‌کنه.»

البته دفعه‌ی پیش به این رسیدگی کردیم. پولس در کولسیان باب ۳ درباره‌ی این صحبت می‌کنه. مسیحیان با خداوند عیسی پیوند دارند، چون او روح القدس رو به ما عطا کرده. صد تا یا هزار تا روح القدس نداریم. فقط یک روح القدس داریم و این روح القدس، در خدمت عیسااست و اومده که در ما ساکن بشه. مسیحیان بدون این اتحاد نمی‌تونستند به عیسی نزدیک‌تر بشن.»

پس این چهار تا چیز، چهار تا اصله که عیسی درباره‌ی این اتحاد اعلام می‌کنه. اصل شماره‌ی یک؛ اتحاد ما با مسیح، منبع تمامی ثمرات زندگی ماست. به کلامش در اینجا نگاه کنید. در آیه‌ی ۴ می‌گه، «در من بمانید و من در شما، همچنان که شاخه از خود نمی‌تواند میوه آورد اگر در تاک نماند، همچنین شما نیز اگر در من نمانید.» البته بعداً می‌گه، «جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد.» وقتی فکرش رو می‌کنید، این واقعاً یک جمله‌ی شایان توجهه؛ عیسی در اینجا می‌گه، «تا زمانی که من و تو با هم متحد نشیم، زندگی‌تون هرگز ثمربخش نمی‌شه.»

و با بیان این مطلب، واقعاً تأکید می‌کنه که در واقع، خیلی مهمه که ما این وجه از انجیل رو درک کنیم؛ اینکه ما با مسیح متحد شدیم، چون عیسی می‌گه، درک این موضوع برای ثمربخشی ما در زندگی مسیحی خیلی مهمه.

ما با مسیح متحد شدیم. این رابطه‌ی ماست. شاخه و تاک چه ارتباطی با هم دارند؟ شاخه به تاک وصله؛ اما وقتی شاخه به ارزش این اتحاد پی می‌بره؛ شاخه، ثمر می‌ده. وقتی ایماندار مسیحی به ارزش این اتحاد پی می‌بره، منابعی که در مسیح به ما تعلق داره؛ همون طور که در نامه‌ی پولس به کولسیان دیدیم؛ پری مسیح که به ما تعلق داره؛ باید به ما این توانایی رو بده که محکم بایستیم و ایمان داشته باشیم که تا زمانی که در این اتحاد و مشارکت با خداوند عیسی بمونیم، میوه رشد می‌کنه.

و شاید متوجه شدید که در عهد جدید، بسیاری از مثال‌های عیسی و رسولان درباره‌ی مسیحی ثمربخش، مثال‌هایی هستند که به ما کمک می‌کنند که ببینیم ما این کار رو به‌طور خودکار انجام نمی‌دیم؛ این مافوق طبیعی؛ اما به‌نوعی، طبیعی هم هست. یادمه کشیش قدیمی من در دوران دانشجویی، ویلیام استیل می‌گفت ویژگی مسیحی اینه که یاد می‌گیره کارهای مافوق طبیعی رو به‌طور طبیعی انجام بده. «شما نور جهان هستید.» عیسی نمی‌گه، «چند وقت یک‌بار نورتون روشن می‌شه.» می‌گه، «شما نور هستید؛ پس بگذارید این نور بتابه.» اینجا می‌گه، «شما در تاک هستید. شما شاخه‌ای در تاک هستید.» پس نباید فکر کنید، «چطوری می‌تونم میوه بیارم؟» از شما دعوت می‌کنه که فکر کنید، «چطوری می‌تونم به زندگی در اتحاد و مشارکت با خداوند عیسی ادامه بدم؟» و میوه از خودش مراقبت می‌کنه. آیا بعضی از ما به‌راحتی گرفتار این مشکل نمی‌شیم که خدمت مسیحی خوبی داریم؛ و نمی‌بینیم که چه مشارکت نزدیکی با خداوند عیسی داریم؟ پس این درس بزرگ عیسی برای ماست.

اول از همه، منبع ثمردهی روحانی اینه که در اتحاد با مسیح باشیم.

اصل دوم، با عذرخواهی می‌گم که این موضوع تأثیر عمیق‌تری روی ما می‌گذارد؛ و اون هم اینه که اتحاد ما، هرس شدن رو هم در برمی‌گیره تا بتونه میوه بیاره. اتحاد ما، هرس شدن رو هم در برمی‌گیره تا بتونه میوه بیاره. به آیه‌ی ۲ نگاه کنید، «هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، آن را دور می‌سازد و هرچه میوه آرد آن را پاک می‌کند تا بیشتر میوه آورد.» حالا وقتی به موارد کاربردی می‌رسیم، من خیلی ناتوان می‌شم.

من می‌تونم چمن‌ها رو کوتاه کنم. فقط همین. پس چیزی نمی‌دونم؛ غیر از چیزهایی که خوندم و در واقع، درباره‌ی زراعت انگور و پرورش انگورهای بزرگ دیدم؛ اما می‌فهمم که وقتی باغبان تاکستان، زارع انگور، از تاک‌هاش مراقبت می‌کنه، به دو دلیل اون‌ها رو هرس می‌کنه. او می‌خواد چیزهایی رو که میوه نمی‌دن، قطع کنه، «هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، آن را دور می‌سازد»؛ اما به این دلیل هم هرس می‌کنه که تاک میوه‌ی بیشتر و غنی‌تر و بهتری بیاره.

پس چیزی که به نظر من یک عمل بسیار خشونت‌آمیزه؛ به نظر باغبان تاکستان، در واقع یک عمل بسیار ثمربخش برای تاکه.

یادمه، باب دِن داک، که بعضی از افرادی که اینجا هستند، شاید اونو بشناسند؛ عضو هیئت مدیره‌ی لیگونیر بود؛ یه مسیحی برجسته؛ و یادمه منو به تاکستانش در کالیفرنیا برد. ظاهراً چندین مایل، تاک در تاکستانش بود؛ وقتی در بین تاک‌ها راه می‌رفتم، از تغذیه و پرورش‌شون در خاک و آبیاری‌شون شگفت‌زده شدم؛ هزاران شاخه رو در همه جا می‌دیدم، میلیون‌ها، میلیون‌ها و میلیون‌ها شاخه؛ و ناخودآگاه فکر کردم، چه خرابکاری اینجا بوده که تاک‌های دوستم رو بریده؛ تا اینکه بالاخره متوجه شدم.

این علت ثمربخشی تاک‌ها بود. اگه برحسب اتفاق، تاک‌ها می‌تونستند حرف بزنند، به نظرم می‌گفتند، «این درد داره»؛ و اگه تاک‌ها می‌تونستند با مراقبینشون صحبت کنند، به نظرم مراقبینشون بهشون می‌گفتند، «صبر کنید تا انگورها رو ببینید. صبر کنید تا انگورها رو ببینید.» پدر این‌طوری کار می‌کنه، این‌طور نیست؟ ما در جاهای مختلف اینو می‌بینیم.

تصویر اینو در زندگی بسیاری از افراد در صفحات کتاب مقدس و صفحات تاریخ کلیسا می‌بینیم. شخص مسیحی که هرگز هرس نشده، هیچ‌وقت رشد نمی‌کنه. خدا این‌طوری عمل می‌کنه. البته ما به‌طور غریزی می‌گیم، «اما پدر، این درد داره»؛ و باید بدونیم که اگه این کارها رو نکنه، اگه مثل مجسمه‌ساز، ما رو نتراشه؛ اگه مثل جراح، ما رو جراحی نکنه؛ هرگز سالم نخواهیم شد؛ هرگز کامل نخواهیم شد، هرگز ثمربخش نخواهیم شد.

یادم می‌آد که در یک مناسبت با این سخنان امی کارمایکل مواجه شدم که درباره‌ی این موضوع صحبت می‌کرد. او نوشته، «ظاهراً اسرافه که برگ‌های سبز روشن رو ببینی که روی زمین پخش شده و ساقه‌های لختی که چاقوی تیز، از صد جا، خونش رو ریخته؛ اما هیچ‌یک از ضربه‌های کشاورز کارآزموده و قابل اعتماد، اتفاقی نیست؛ چیزی که نگه داشتنش، زیان و از دست دادنش، منفعت نباشه، قطع نمی‌شه.»

حالا ما نمی‌گیم بیشتر از یوسف اینو درک می‌کنیم؛ در شرایطی که بعد از اون رویداد با زن فوطیفار در زندان بود، کاملاً درک کرد که چطور خدا همه‌چیز رو برای خیریت به کار می‌بره.

عیسی نمی‌گه شما اینو درک خواهید کرد. در واقع، پیش از این، به شمعون پطرس در باب ۱۳ گفته بود؛ وقتی پطرس گفت، «من نمی‌فهمم با شستن پاهای من چی کار می‌کنی.» عیسی گفت، «پطرس، تو الآن درک نمی‌کنی، اما بعداً درک می‌کنی.»

این در مورد خدمت هرس کردن هم صدق می‌کنه، که در اون دردهای زندگی رو احساس می‌کنیم؛ ولی خداوند اون‌ها رو به کار می‌بره تا ما رو ثمربخش کنه. اینو در اطرافمون در کلیسا می‌بینیم، این طور نیست؟

پس اصل شماره‌ی یک؛ اتحاد ما با مسیح، منبع ثمربخشی ماست. اصل شماره‌ی دو؛ این اتحاد شامل هرس کردنه تا میوه‌ی بیشتر بیاریم؛ و بعد، اصل شماره‌ی سه؛ که به طور خاص در آیه‌ی ۷ می‌بینید؛ این اتحاد با کلام خدا پرورش یافته و تغذیه شده. این اتحاد، پرورش یافته و تغذیه شده؛ خوراکش در کلام خداست. ببینید چی می‌گه، «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد.»

حالا شاید فکر کنید یوحنا‌ی رسول به پولس رسول گفته بود که می‌خواد اینو بنویسه؛ دقیقاً قبل از اینکه پولس، کولسیان رو بنویسه، برای پولس اینو نوشته بود و گفته بود، «ضمناً، این یکی از حرف‌های عیسا‌ست»؛ چون یادتونه پولس چطوری اون آیه‌ای رو که قبلاً بهش رسیدگی کردیم، تموم کرد؛ او با جمع‌بندی کل تعالیمش درباره‌ی اتحادمون با مسیح، می‌گه، «کلام مسیح در شما به دولتمندی و به کمال حکمت ساکن بشود و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دل‌های خود خدا را بسرایید.» راه تقویت شدن در اتحادمون با عیسی مسیح، اینه که از کلامش تغذیه بشیم.

حالا این دقیقاً دعای بعدی عیسی در باب ۱۷، آیه‌ی ۱۷ هست، این طور نیست؟ «ایشان را به راستی خود تقدیس نما. کلام تو راستی است.» می‌خوام به یک چیزی توجه کنید. به نظرم، امروزه در دنیا، بین مسیحیانی زندگی می‌کنیم که می‌خوایم کتاب مقدس بهمون بگه چی کار کنیم و ما ما اونو انجامش بدیم. ما چنین جامعه‌ای داریم؛ مخصوصاً به خصوص جامعه‌ی آمریکایی.

شما به عنوان افراد «توانمند» شناخته شدید. در جای دیگه، مردم به عنوان افرادی شناخته شدند که می‌گن، «ما قبلاً این کار رو نکردیم»؛ اما اینجا ما افراد «توانمند» هستیم؛ پس می‌تونیم این طرز فکر رو داشته باشیم و اونو به زندگی مسیحی مون بیاریم و فقط می‌خوایم کاربردی و عمل‌گرایانه باشیم.

فقط به ما بگید باید چی کار کنیم و ما به طور کامل می‌تونیم اون کار رو انجام بدیم؛ اما متوجه می‌شید که عهد جدید به ما یاد می‌ده که چطوری به کلام خدا پاسخ بدیم. اساساً عهد جدید به ما یاد می‌ده که کلام خدا، خودش، کار رو انجام می‌ده. کلام خدا، خودش، کار رو انجام می‌ده.

برای همین، مهمه که زیر نظر یک خدمت زنده قرار داده باشیم، این طور نیست؟ نه برای اینکه به ما بگن چی کار کنیم، بلکه ما رو به جایی ببره که کوزه گر آسمانی، کارش رو انجام بده تا در ما خدمت کلام خدا رو انجام بده؛ و ما به این موضوع پی می بریم، چون در خدمت کلام خدا باید متوجه بشیم که به چیزهایی در مورد خودمون پی می بریم که اون ها رو فراموش کرده بودیم؛ یا کلام خدا اون قدر در زندگی مون عمیق می شه که خطاهای مخفی ما رو نشون می ده؛ یا زمانی به ما می رسه که هیچ کس نمی دونه چقدر درد داریم، چقدر تنها هستیم؛ و کلام خدا می آد.

و چون مسیح، خودش از طریق کلامش صحبت می کنه، متوجه می شیم که تنها نیستیم. قطعاً این یکی از شگفت انگیزترین چیزهاست که با نشستن در خدمت زنده ی کلام خدا تجربه می کنیم؛ کلام خدا، کارش رو انجام می ده و بنابراین تکلیف ما اینه که بگذاریم کلام مسیح به دولتمندی در ما ساکن بشه؛ وقتی در مسیح می مونیم، به کلام مسیح اجازه می دیم در زندگی مونا ساکن بشه؛ چون این قدرت داره که ما رو عوض کنه، چون این کلام مسیحه.

می دونید، اگه تا حالا موعظه کرده باشید، شاید اینو تجربه کردید؛ من غالباً اینو تجربه کردم که درباره ی یک چیزی صحبت می کنید و وقتی به جماعت کلیسایی نگاه می کنید، فکر می کنید، «اوآه، اوآه، اوآه، اوآه، این آخرین چیزیه که او نیاز داره بشنوه.» این شخص دل شکسته اس، چون شوهرش رو از دست داده، یا با یک بحران بزرگ مواجه شده؛ و فکر می کنید هیچ کدوم از این ها... «آه، اگه می دونستم این ها اینجا هستند، سعی می کردم پیغامی رو اعلام کنم که خیلی برای اون ها دردناک نباشه»؛ بعد اون ها جلوی در کلیسا با شما دست می دن و می گن، «این کلام برای من بود»؛ و شما فکر می کنید، «چطور ممکنه که این کلام برای شما باشه؟»

جوابش اینه؛ چون وقتی کلام مسیح موعظه می شه؛ مسیح، خودش اونو موعظه می کنه و ما اونو تجربه می کنیم و او می تونه همه ی کسانی رو که نام خداوند رو صدا می کنند، کاملاً نجاتشون بده؛ و وقتی با او ملاقات می کنیم؛ کمال پری در اوست؛ پس وقتی کلامش عطا می شه، این فرصتی برای ساکن شدن او در ماست؛ و ما در او ساکن می شیم؛ بعد، البته اتحاد ما با او، به طرز فوق العاده ای خوراک داده می شه. مهم نیست که آیه چیه، پیغام چیه؛ چون متوجه می شیم که کلام، عمل می کنه؛ کلام عمل می کنه.

می دونید، اون کشیش، ویلیام استیل که قبلاً در موردش گفتم؛ یادمه یک روز در تابلوی اعلاناتی که بیرون کلیساست، این اعلانیه ی بزرگ بود، و این کلمات روی اون نوشته شده بود، «کارگاه در داخل؛ نمایشگاه در طبقه ی بالا.» این عالییه، این طور نیست؟ وقتی ما تحت خدمت کلام هستیم، این اتفاق می افته؛ وقتی ما در خدمت کلام هستیم؛ وقتی کتاب مقدس رو می خونیم و اجازه می دیم در ما جاری بشه؛ ما در کارگاه هستیم و نمایشگاه، قطعاً طبقه ی بالا خواهد بود.

و بعد اصل چهارمه. اصل اول؛ بله، اتحاد در منبع ثمردهی ماست. دوم؛ این اتحاد، شامل هرس شدن توسط پدره. سوم؛ این اتحاد توسط کلام پرورش یافته و تغذیه می شه؛ و چهارم؛ بارزترین میوه ی این اتحاد، محبت ماست. «اون ها از محبت ما می فهمند

که مسیحی هستیم.» حالا، این محبت، جانِ لِن نیست، «نیاز تو فقط محبت. نیاز تو فقط محبت. محبت، محبت، محبت. تو فقط محبت لازم داری.» این محبت مسیح گونه‌اس.

عیسی می‌گه، «جلال پدر من آشکارا می‌شود به اینکه میوه بسیار بیاورید.» این میوه، یعنی مردم می‌بینند ما شاگردان مسیح هستیم، چون ما همدیگر رو طوری محبت می‌کنیم که عیسی مسیح ما رو محبت کرد.

می‌دونید، گاهی فکر می‌کنیم در دوره‌ی سختی از کلیسا هستیم؛ اما شما اینو جایی خارج از کلیسا دریافت نمی‌کنید. من معتقدم که واقعیت کسانی که با کلیساهای زنده در ارتباطند، نه کلیساهای مرده؛ بلکه کلیساهای زنده؛ اینه که فکر می‌کنند، «این از کجای زمین اومده؟» و این سؤال رو براشون ایجاد می‌کنه، «این از کجای آسمون اومده؟»

یادتونه کولسیان ۳ این طوری تموم می‌شه؟ اینجا این آیه بر همین موضوع تمرکز می‌کنه، «کلام مسیح در ما می‌مونه؛ و وقتی کلام مسیح در ما می‌مونه، پدر جلال می‌یابه. ما میوه‌ی بیشتر می‌آریم. همون‌طور که پدر، عیسی رو محبت کرد، عیسی ما رو محبت کرده و ما در محبت او می‌مونیم؛ این محبت نسبت به همدیگه نشون داده می‌شه.»

میوه‌ی نهایی چیه؟ خب، شاید شما رو کسل کنم از اینکه می‌گم؛ شبیه عیسی شدنه، این‌طور نیست؟ این کسل‌کننده نیست. شبیه مسیح شدنه. اینو، اتحاد با مسیح در ما ایجاد می‌کنه؛ شباهت به مسیح که با او متحد شدیم. و ما می‌خوایم بگیم، «خدا رو شکر به خاطر هدیه‌ی شگفت‌انگیزش!»